

شرح رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام)

حجت الاسلام والمسلمین استاد حاج علی اکبری



حق البصر

جلسه هفتم

۱۳۹۳/۰۵/۱۹

فهرست

- ترسیم سبک زندگی اسلامی بر اساس رساله‌ی حقوق
 - عبرت، واژه‌ای زیبا و قرآنی
 - عبرت وجه تمایز انسان و حیوانات
 - به دریا بنگرم دریا تِ بی‌نم
 - هفت نگاه توصیه شده
۱. نگاه معرفت
 ۲. نگاه عبرت و بیداری
- تاریخ را این‌گونه بخوانید
۳. نگاه شکر
 ۴. نگاه مهر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ترسیم سبک زندگی اسلامی بر اساس رساله‌ی حقوق

سخن از سبک زندگی است؛ آن‌هم زندگی مؤمنانه، زندگی مبتنی بر ایمان، زندگی مبتنی بر یاد پروردگار متعال و عزیز و مهربان. در ضمن این سبک زندگی، فهرست زیبایی است که ما در منشور عالی خودسازی، یعنی رساله‌ی حقوق امام سجّاد (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) آن را پیگیری می‌کنیم.

بخشی از زندگی ما دیدن است و این مهم است که چگونه ببینیم، چه چیزی را ببینیم، چگونه ببینیم و حقیقتاً مسئله‌ی دیدن، پوشش بسیار وسیعی در زندگی انسان دارد. لذا حق دیدن و به تعبیر امام (عَلَيْهِ السَّلَام) «حَقُّ الْبَصَرِ» را باید خیلی جدی گرفت و اگر انسان موفق بشود نگاهش را با موازین الهی هماهنگ کند، می‌تواند پرده‌های جدیدی از آفرینش را تماشا و به عوالم دیگری راه پیدا کند.

طبق بیان امام (عَلَيْهِ السَّلَام)، با حفاظت، چنین چیزی میسر است که حقّ اوّل دیدن و چشم است. انسان باید نگاهش و در حقیقت دلش را از آفت‌ها حفاظت کند؛ زیرا نگاه دروازه‌ی دل ما است. بعد از «حَقُّ السَّمْعِ» و حقّ شنیدن، این دروازه‌ی دومی است که به روی دل ما گشوده می‌شود؛ چنان‌که فرموده‌اند: «الْقَلْبُ مُصْحَفُ الْبَصَرِ؛ دل، دفتر دیده است». دل ما کتابی است که با دیده‌ها و دیدنی‌های ما نگاهشده می‌شود؛ بنابراین اینکه انسان دلش را میزبان چه صحنه‌هایی قرار بدهد، بسیار اهمیت دارد و این امر، خیلی بستگی دارد به اینکه انسان برای دلش، یعنی برای حقیقت وجودش، چقدر قیمت قائل باشد.

عبرت، واژه‌ای زیبا و قرآنی

بخش دوم بحث عبارت بود از شکر نعمت بینایی که امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) با کلید واژه‌ی «عبرت» به این فصل وارد می‌شوند.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۴۰۹.

نگاه انسان مؤمن مؤدبانه، متفکرانه، خوش بینانه و هنرمندانه است. این چهار ویژگی یک نگاه مؤمنانه است که اگر انسان وجودش از ایمان سرشار شود، نگاهش چنین خصوصیتی را پیدا می کند.

هر چهار ویژگی ذیل کلمه‌ی عبرت قرار می گیرد. عبرت یکی از واژه‌های بسیار زیبا، عمیق و خوش ساخت قرآن عزیز و کریم است. از تعابیر بسیار زیبای قرآنی است که شایسته است طی چند مجلس به این واژه و کاربردهای بسیار بدیع و جذابش در قرآن کریم پرداخته شود. کلمه‌ی عبرت یک معنای خاص دارد و یک معنای عام. ما معمولاً در فارسی، در اصطلاحات بین خودمان، وقتی کلمه‌ی عبرت را استفاده می کنیم، برای معنای خاصش استفاده می کنیم که به معنای پند گرفتن است. مثلاً اسم موزه‌ای را که در تهران برای نشان دادن جنایت‌های کمیته‌ی مشترک و ساواک درست کرده اند، موزه‌ی عبرت گذاشته اند.

در بین ما کلمه‌ی عبرت بیشتر به معنای خاصش استفاده می شود؛ ولی امام سجّاد (علیه السلام) وقتی می خواهد به من و شما بگوید باید شکر امکان دیدن و تماشا را به جا بیاورید و از آن به شایستگی استفاده کنید، می فرماید باید موضع عبرت دیدگان خودتان را فعّال کنید. این آن معنای عام است که محصولش بصیرت، روشن بینی و دانش است.

بصیرت، روشن‌بینی و معرفت و دانش، محصول فعال‌سازی نگاه در جایگاه و موضع عبرت است.

عبرت وجه تمایز انسان و حیوانات

عبرت از عبور گرفته شده و به معنای عام، فاصله‌ی بین انسان و حیوان است. حیوان نیز می‌بیند و نگاه می‌کند، اما نگاه نافذ نمی‌کند و نگاهش در سطح متوقف می‌شود و عبور ندارد. نگاه انسان ظرفیت عبور دارد؛ زیرا خدای مهربان عزیز پشت سر این چشم و نگاه ظاهر، برای مقام انسانیت چشم دیگری قرار داده که از آن به چشم دل تعبیر می‌کنیم. اگر آن چشم، فعال و با دو چشم ظاهری هماهنگ شود، نتیجه‌اش عبارت است از عبور. این فاصله‌ی بین انسان و حیوان است.

خدای متعال و عزیز، عالم پیرامون ما و هر چه را که خلق کرده، مملو از معنا، محتوا، سرّ و رمز و راز قرار داده است. یک عالم پر از معنا، عجیب و تودرتو که از هر پرده‌ای عبور کنید، پرده‌ی دیگری پیش روی شما قرار می‌گیرد. برای تماشای این پرده‌های تودرتو و رازهای پنهانی و اسرار آن، خدای متعال انسان را خلق کرده؛ انسانی که می‌تواند از این ظواهر و از این برداشت سطحی عبور کند و وارد معنا بشود. به این منظور، به انسان روح معنا‌یاب داده و طبع و فطرت انسان‌ها، در جستجوی باطن و معنا

و راز و اسرار عالم است. لذا عبرت صفت انسان است. خصوصیت انسانی که دارای ظرفیت انسانی است و ظرفیت انسانی و استعدادهای انسانی اش فعال است، عبارت است از عبرت که به وسیله آن می تواند از سطح و ظاهر عبور کند.

قرآن کریم به زیبایی با یک استفهام توییخی از ما توقع دارد که وارد ملکوت بشویم: «أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛^۲ آیا در ملکوت آسمانها و زمین ننگریسته اند؟». نقطه‌ی مقابل ملکوت، مُلک است؛ یعنی سطح. وقتی شما از مُلک عبور کردید، وارد ملکوت می شوید. یعنی تا وقتی شما ماه و خورشید و ستاره و زمین و درخت و دریا و صحرا و پرنده را تماشا می کنید، مُلک را می بینید که همین ظواهر است. اما وقتی توانستید اینها را مثل واژه های یک کتاب ببینید که هر کدام از این واژه ها حامل معنا هستند، از سطح عبور کرده و وارد باطن می شوید.

هر چه که می بینید، به تعبیر قرآن کریم «كَلِمَاتُ اللَّهِ»^۳ است. وقتی با دیدن هر کدام از مخلوقات، به خالقشان پی بردید، جمال و قدرت خالق را دیدید، و زیبایی های درونی

۲. اعراف: ۱۸۵.

۳. «وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ و اگر آنچه در زمین است قلم باشد و دریا را هفت دریای دیگر به یاری آید، سخنان خدا پایان نپذیرد. قطعاً خدا شکست ناپذیر حکیم است». لقمان: ۲۷.

آنها را تماشا کردید، هدف و هدف‌دار بودنشان را دیدید و معنادار بودنشان را احساس کردید، به ملکوت رسیده‌اید. هنگامی که دیدید همه‌ی اینها تحت تدبیر و برنامه‌ریزی خالق حکیم مدبر قادر است، یعنی به تعبیری دست خدا را در کارگزاری و حفاظت عالم مشاهده کردید، همانی که قرآن درباره‌اش می‌فرماید: «وَلَا يُوَدُّهُ حَفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ»^۴ و نگهداری آنها بر او دشوار نیست، و اوست والای بزرگ». نگاه شما دارای عبرت شده است.

این آسمان‌ها و زمین را چه کسی در فلک و در مسیرهای خودشان نگه می‌دارد؟ چه کسی این منظومه‌ها، کرات، کهکشان‌ها را در این عرض و طول حیرت‌انگیز نگه داشته و از نگهداری آنها خسته نمی‌شود؟ چه کسی این قدرت را پیش چشم شما قرار داده است؟ وارد این نگاه که بشوید، وارد ملکوت می‌شوید. بنابراین خدای متعال عالم را پر از رمز و راز و انسان را رازشناس و رازور و کسی که می‌تواند وارد این محیط اسرار بشود و از این ظواهر عبور بکند، قرار داده است.

به این ترتیب، امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) از همه‌ی ما دعوت می‌کند که چشم‌ها و قدرت دیدمان را برای دیدن نادیدنی‌ها فعال کنیم. والا اگر بخواهیم صرفاً همین ظواهر را ببینیم، این چیزی است که حیوان هم می‌بیند و در این زمینه فرقی میان ما و حیوانات

^۴. بقره: ۲۵۵.

نیست. فاصله‌ی انسان و حیوان به عبور است؛ لذا قرآن کریم درباره‌ی کفار - کافر یعنی کسی که پرده انداخته و حبس شده - می‌فرماید: «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا؛^۵ از زندگی دنیا، ظاهری را می‌شناسند». ویژگی اینها این است که فقط همین ظاهر را می‌بینند. یا در جای دیگر می‌فرماید: «ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِّنَ الْعِلْمِ؛^۶ این منتهای دانش آنان است». کافر در ظاهر حبس می‌شود و عبور ندارد. فرق کافر و مؤمن این است: مؤمن نفوذ و عبور می‌کند و عبرت دارد. مؤمن با دیدن ظواهر و مخلوقات که «كَلِمَاتُ اللَّهِ» هستند، خدا را می‌بیند؛ لذا پروردگار را در همه‌جا می‌بیند.

مؤمن خدا را در آینه هستی می‌بیند

این تعبیر خیلی مهم است؛ زیرا تعبیر جمع‌بندی‌شده و فشرده‌ی قرآن کریم است. انسان مؤمن وقتی به آسمان‌ها نگاه می‌کند، وقتی زمین را می‌بیند، وقتی با شگفتی‌ها و زیبایی‌ها و تنوع موجودات دریاها مواجه می‌شود، وقتی به صحرا می‌نگرد، وقتی کهکشان‌ها و میلیاردها میلیارد خورشید و منظومه‌های باشکوه و عظیم و زیبا را مشاهده می‌کند، در

۵. روم: ۷.

۶. نجم: ۳۰.

این نگاه مجموعه‌ای را می‌بیند که ساجد هستند، مطیع هستند، رام هستند، هماهنگ هستند، متحد هستند، هدف‌دار هستند. همان چیزی که قرآن درباره‌اش می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْبِغُ لَهُ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَافَّاتٍ كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ»^۷ آیا ندانسته‌ای که هر که [و هر چه] در آسمان‌ها و زمین است، برای خدا تسبیح می‌گویند، و پرندگان [نیز] در حالی که در آسمان پر گشوده‌اند [تسبیح او می‌گویند]؟ همه ستایش و نیایش خود را می‌دانند».

مؤمن همه‌ی هستی را مشغول نماز می‌بیند. در مثنوی تعبیر زیبایی است که می‌گوید درخت‌ها دست‌های زمین هستند که در پیشگاه پروردگار متعال و مهربان به قنوت برداشته شده‌اند. این همان نگاه مؤمنانه است.

مؤمن پرنده‌های در حال پرواز را که برخی بال‌هایشان را کاملاً باز و بعضی‌ها هم بال‌هایشان را باز و بسته می‌کنند، همه را مشغول تسبیح می‌بیند. این نگاه مؤمن است. این، جایگاه کلمه‌ی عبرت در تعبیر امام (عَلَيْهِ السَّلَام) بود. با این تفسیر از کلمه‌ی عبرت، مشخص می‌شود که حقّ این کلمه آدا نشده است.

^۷ نور: ۴۱.

پس سخن حضرت این شد: «حَقُّ الْبَصَرِ» این است که از هر چیزی که دیدنش برای تو شایسته نیست، چشم بپوشی «إِلَّا لِمَوْضِعِ عِبْرَةٍ» مگر آنجایی که باید چشمت را باز بگذاری و تماشا کنی؛ البته نه یک تماشای معمولی. «تَسْتَقْبِلُ بِهَا بَصَرًا أَوْ تَسْتَفِيدُ بِهَا عِلْمًا» محصول این عبور که چشم دل شما با چشم سر شما همراه می شود و تماشا می کنید، یا روشن بینی است، «تَسْتَقْبِلُ بِهَا بَصَرًا» یا بهره مندی از علم و دانش است.

جالب است که خدای متعال در سوره ی مبارکه ی آل عمران می فرماید: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ»^۸ مسلماً در آفرینش آسمان ها و زمین، و در پی یکدیگر آمدن شب و روز، برای خردمندان نشانه هایی است. کسانی که اولی الالباب اند، یعنی صاحب مغز هستند و از پوسته عبور می کنند و به مغز می رسند، مغز عالم را مشاهده می کنند؛ یعنی عبور دارند. اما با چه عبور می کنند؟ با دو بال ذکر و فکر: «يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»^۹ همانان که خدا را [در همه احوال] ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده یاد می کنند و در آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند». محصول این یاد و آن تفکر که نگاهش همراه با عبور است، این است که اینها چشمشان به جمال حضرت حق روشن

^۸ آل عمران: ۱۹۰.

^۹ همان: ۱۹۱.

می‌شود و خدا را می‌بینند. پس از نگرستن، با خدا مناجات می‌کند: «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»^{۱۰} پروردگارا، اینها را بیهوده نیافریده‌ای. منزهی تو! پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار».

در آفرینش تو، در خلقت آسمان‌ها و زمین، باطل به هیچ‌وجه راه ندارد، همه‌اش حق است. ما هستیم که گاهی در کارهایمان باطل راه دارد و به همین علت از تو وقّع داریم ما را بیامرزی: «فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»

به دریا بنگرم دریات بینم

جمله‌ی پایانی «حَقُّ الْبَصْرِ» این است: «فَإِنَّ الْبَصَرَ بَابُ الْاِعْتِبَارِ»، این تعبیر، تعبیر بسیار زیبایی است. حضرت در اینجا استدلال می‌کنند و می‌فرمایند: زیرا چشم‌ها دروازه‌ی عبور شما از ظواهر این عالم به آن معانی، به آن مقاصد و به آخرت است.

امام رضا (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) در این باره تعبیر بسیار زیبایی دارند. آن حضرت می‌فرمایند که از همین مخلوقات دنیا است که شما می‌توانید آنچه را که در آخرت است، تماشا کنید. موجودات پیرامون شما پنجره‌هایی هستند به روی عالم معنا، یعنی به روی

^{۱۰}. همان.

آخرت و از همین جا می‌توانید آنجا را تماشا کنید و انسان نباید این درها را به روی خودش ببندد. اما کافر این درها را می‌بندد.

خدای متعال اینها را هماهنگ خلق کرده است. اما ما به خاطر غفلت، از ظرفیت درونی مان استفاده نمی‌کنیم و به نگاه‌های ظاهری اکتفا می‌کنیم. در حالی که کسی که چشم سر و چشم دلش را نبسته می‌گوید: به دریا بنگرم دریا تِ بینم، به صحرا بنگرم صحرا تِ بینم، به هر جا بنگرم کوه و در و دشت، نشان از قامت رعنا تِ بینم.^{۱۱}

این نگاه را باید از خدای متعال بخواهیم؛ چراکه در غیر این صورت، چشم‌مان هرز رفته است؛ زیرا هر نگاهی که در آن عبور نباشد، لهُو و بیهوده است. خدای متعال در وجود ما سرمایه‌گذاری عظیمی کرده است. سرمایه روح، جان، روان، فکر، عقل، سرمایه دیدن و شنیدن را در اختیار ما گذاشته که همه‌ی اینها به هم تنیده شده و واحدی به نام انسان را تشکیل داده است.

از سوی دیگر، خدای متعال در بیرون از وجود ما سنگ تمام گذاشته و چیزی کم نگذاشته است. همه را هم برای ما خلق کرده است. در برابر این، از انسان توقع دارد؛ لذا

۱۱. باباطاهر.

می‌فرماید: «لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»^{۱۲} باشد که شکرگزاری کنید». در جای دیگر می‌فرماید: «قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ»^{۱۳} چه کم سپاسگزاری می‌کنید». خیلی کم هستند کسانی که حق این سرمایه‌های عظیم و بزرگ را به جا بیاورند.

هفت نگاه توصیه‌شده

در مقام شکر و سپاس نعمت دیدن و نگاه، با مراجعه‌ی به منابع قرآنی و روایی، نمونه‌هایی از دیدن‌های مطلوب را به لطف خدای متعال برایتان فهرست می‌کنم.

این فهرست هفت نگاه را پیشنهاد می‌دهد؛ یعنی انسان‌ها می‌توانند با این چشم‌های نازنین حداقل این هفت نگاه را داشته باشند. این هفت نگاه توصیه شده؛ البته بر بعضی توصیه و تأکید بیشتری شده است. همه‌ی اینها نگاه‌هایی است که همراه با عبور است و نتیجه‌اش ان‌شاءالله برای ما روشن‌بینی، رشد مقامات انسانی و تغذیه روح و جان ما و دستیابی به دانش مفید و علم پیش‌برنده است.

۱- نگاه معرفت و دانایی (دانش).

۱۲. بقره: ۵۲ و ۵۶.

۱۳. اعراف: ۱۰.

۲- نگاه شکر و سپاس.

۳- نگاه عبرت و بیداری (این عبرت همان پند است به همان معنای خاصی که اشاره شد).

۴- نگاه محبت و مهر.

۵- نگاه مراقبت و نظارت.

۶- نگاه ولایت.

۷- نگاه استراحت و فراغت.

از خدای متعال توقع کنیم که توفیق این نگاهها را به ما کرامت کند. هر کدام از این نگاهها یک زاویه‌ی دید و یک عبور است به سرچشمه‌های بهره‌مندی انسانی و رشدی که به ما توصیه شده است.

۱. نگاه معرفت

در باب اول که نگاه معرفت و دانایی است، قرآن کریم همه‌ی ما را به این نگاه دعوت می‌کند و فرموده اساساً من برای شما امکان دیدن را فراهم کردم تا شما به علم برسید.

بهترین راه برای دانایی و کسب علم، نگاه کردن از طریق چشم است. خداوند تبارک و تعالی نیز صریحاً فرموده که شما وقتی متولد شدید هیچ چیزی نمی‌دانستید: «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئاً؛^{۱۴} و خداوند شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد در حالی که چیزی نمی‌دانستید». اما خدای متعال به شما «سَمْع»، «بَصَار» و «أَفْتِدَةٌ» داد؛ یعنی قدرت شنیدن، دیدن و تحلیل و خرد. این سه دستگاه را در اختیار شما قرار داد و از شما توقع شکر دارد. شکرش این است که انسان از این امکانات برای دانش و دانستن و تحصیل علم مفید استفاده نکند. لذا با نگاه باید علم و دانش را برای خود فراهم کنیم و آن را توسعه دهیم، و در خود تثبیت و ماندگار کنیم.

خدای متعال همه‌ی عالم پیرامون ما را کتاب مطالعه برای ما قرار داده و همه‌ی موجوداتی را که خلق کرده، «كَلِمَاتُ اللَّهِ» معرفی کرده است که واژه‌های این کتاب تکوین هستند که ما با چشم‌هایمان باید آنها را ببینیم؛ از آیه‌ی شمس و خورشید و ماه و ستاره تا ذرات و سلول‌ها و امثال اینها؛ یعنی از ریزترین تا باشکوه‌ترین و بزرگ‌ترین، همه‌ی اینها برای دیدن و عبور پیش چشم ما هستند.

^{۱۴}. نحل: ۷۸.

قرآن کریم در تعبیر بسیار زیبایی می‌فرماید: «فَانظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَةِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا؛^{۱۵} پس به آثار رحمت خدا بنگر که چگونه زمین را پس از مرگش زنده می‌گرداند». نگاه کنید به این همه نشانه‌های رحمت الهی که چگونه این زمین مرده را پیش چشم‌های شما زنده می‌کند. فرآیند حیات و زندگی را مشاهده کنید.

جالب است که در بعضی از آیات قرآنی که درباره‌ی خرما، انگور، زیتون، انار و بعضی از میوه‌ها صحبت می‌کند، می‌فرماید: «انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ؛^{۱۶} به میوه‌ی آن چون ثمر دهد و به [طرز] رسیدنش بنگرید. قطعاً در اینها برای مردمی که ایمان می‌آورند نشانه‌ها است». یعنی آیا شما فرآیند و مسیر رشد یک میوه را دیده‌اید؟ تماشا کرده‌اید که مثلاً یک دانه‌ی انار چگونه به مقصد می‌رسد؟ آیا این دانه‌ها را مشاهده کرده‌اید؟ در یک انار چندصد دانه‌ی انار است که در خودش آب زلال و خوشمزه و ملس و شیرین را جای داده است. اینها چطور می‌رسند؟ از همین زمین، از همین خاک به حسب ظاهر مرده، درست شده‌اند و پیشکش به شما است.

^{۱۵}. روم: ۵۰.

^{۱۶}. انعام: ۹۹.

پس یک نگاه این است. نگاه به همه‌ی دانشی که پیشینیان ما با نگاه‌های عمیق خودشان فراهم کرده و در کتاب‌ها در دسترس ما قرار داده‌اند.

بالتر از همه‌ی اینها، نگاه به قرآن کریم است که مصحف الهی و حامل دانش‌های متفاوت است؛ دانش‌هایی که جز از طریق قرآن نمی‌توانیم به آنها دست پیدا کنیم.

نگاه به چهره‌ی عالم یعنی رفتن به دیدار عالم و زانو زدن در حضور او نیز بسیار مطلوب و پسندیده است؛ چنان‌که فرموده‌اند: «الْأَنْظَرُ إِلَى وَجْهِ الْعَالَمِ عِبَادَةٌ»^{۱۷} نگاه کردن به روی دانشمند عبادت است». این نگاهی است که به ما کمک می‌کند با چشم‌هایی به عالم نگاه کنیم که نادیدنی‌ها را ببینیم.

کسی که به محضر یکی از علما، مثلاً حضرت علامه طباطبایی (اعلی الله مقامه الشریف وَ رِضْوَانُ اللَّهِ تَعَالَى عَلَيْهِ) شرفیاب شده - که خیلی از بزرگان زمان ما شاگرد مکتب ایشان هستند - و با چشم‌های نافذ و زیبای ایشان که نادیدنی‌ها را دیده، مواجه شده، موفق می‌شود عالم را آن‌گونه که هست، ببیند. این نفوذ نگاه عالم ربّانی است که باید به حضورش رسید. چنانچه انسان در حضور آن روح بیدار قرار بگیرد، می‌تواند باطن علم

^{۱۷}. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۹۵.

را مشاهده بکند. بهترین عاملی که انسان را به فراگیری علم و دانش تشویق می‌کند، درک محضر عالم ربّانی است.

۲. نگاه عبرت و بیداری

نگاه عبرت یا نگاه پند، بر اساس یک جمع‌بندی قرآنی حاصل می‌شود. آن جمع‌بندی این است که همه‌ی عالم تحت قاعده اداره می‌شود: «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ؛^{۱۸} قطعاً پیش از شما سنت‌هایی [بوده] است». همه‌ی عالم تحت سنت‌ها و قواعد و قوانین الهی است و خدای متعال عالم را بر اساس مجموعه‌ای از قوانین اداره می‌کند. تاریخ مبتنی بر این قواعد اداره می‌شود و در تمام کرانه‌های زندگی ما این قوانین حکومت می‌کنند که از آن به سنت تعبیر می‌شود؛ سنت‌ها و قوانین محکمی که تغییرناپذیرند.^{۱۹}

از آنجا که عالم بر اساس قوانین الهی اداره می‌شود، می‌توان از عالم و از تاریخ زندگی انسان‌ها درس گرفت. اگر قاعده‌ای وجود نداشت، نمی‌توانستیم درسی بگیریم. ولی وقتی

۱۸. آل عمران: ۱۳۷.

۱۹. «فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا؛ و هرگز برای سنت خدا تبدیلی نمی‌یابی و هرگز برای سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت». فاطر: ۴۳.

همه چیز تحت قاعده است، موفقیّت‌ها و شکست‌های دیگران برای ما درس و پند است. ما می‌توانیم از شکست‌های دیگران درس بگیریم تا شکست نخوریم. ما می‌توانیم از موفقیّت‌ها و کامیابی‌های دیگران درس بگیریم تا راه نزدیک‌تری را به سوی کامیابی طی کنیم. این قاعده هم در زندگی فردی برقرار است و هم در زندگی اجتماعی. امت‌ها نیز همین‌گونه هستند. امت‌هایی که موفّق شدند و در برابر زورگویی‌ها و ستمکاری‌ها پایداری کردند، در برابر مشکلات صبر و مقاومت کردند، پشت سر آن برایشان ظفر و پیروزی حاصل شده است.

تاریخ را این‌گونه بخوانید

تاریخ نشان می‌دهد کسانی که ستم کردند، نابود و به زباله‌دان تاریخ ریخته شدند؛ بنابراین صهیونیست‌ها به زودی مچاله می‌شوند و به زباله‌دان تاریخ می‌پیوندند. قرآن کریم با تعبیر «مگر ندیدی؟» ما را به درس گرفتن از گذشتگان دعوت می‌کند: «الْمَ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ؛^{۲۰} آیا ندیدی پروردگارت با قوم عاد چه کرد؟»؛ «الْمَ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ؛^{۲۱} مگر ندیدی پروردگارت با پیلداران چه کرد؟» و آیاتی از این قبیل. خیلی جالب

۲۰. فجر: ۶.

۲۱. فیل: ۱.

است، قرآن می‌گوید مگر شما اینها را ندیدید؟ نسل من و شما مگر بودیم تا فرعون را ببینیم؟ مطمئناً پاسخ منفی است. منتها این آیات به ما می‌گویند که تاریخ را باید به گونه‌ای بخوانید که گویا وقایع آن را می‌بینید. این توقع قرآن کریم است.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نامه‌ی سی و یکم نهج البلاغه تعبیر خیلی زیبایی دارند که طی آن خطاب به امام حسن (علیه السلام) - و البته خطاب به همه‌ی فرزندان معنوی‌شان - می‌فرمایند: «من به اندازه‌ی پیشینیان عمر نکردم، اما چنان تاریخ آنها را با دقت خواندم که گویا با همه‌ی آنها زیسته‌ام». این جمله چقدر جالب است! گویا من با همه‌ی آنها زندگی کرده و موفقیت‌ها و کامیابی‌ها، فراز و فرود زندگی آنها و شکست‌هایشان را دیده‌ام و بر این اساس، زندگی خودم را طرح‌ریزی کرده‌ام. این، نگاه عبرت به گذشته‌ها است؛ لذا در همان نامه‌ی سی و یک می‌فرمایند: «فَانظُرْ»، تاریخشان را ببین، «سِرِ فِی دِیَارِهِمْ وَ آثَارِهِمْ»، سیر و سفر کن و این آثار را از نزدیک مشاهده کن. در مشاهده چیزهایی نهفته است که در کتاب‌ها و فیلم‌ها نمی‌توان آنها را دید. انسان باید برود، حضور پیدا کند و مشاهده کند؛ لذا می‌فرماید: «سِرِ فِی دِیَارِهِمْ» برو در شهرهایشان بگرد و آثارشان را مشاهده کن. «فَانظُرْ مَا فَعَلُوهُ» ببین آنها چه کردند، «وَ عَمَّا انْتَقَلُوا»، و به کجا منتقل شدند و رفتند. حضرت در پایانش یک جمع‌بندی دارند. جمع‌بندی این است که «وَ اَنْكَ» و خود تو به زودی «سِرْتُ كَاَحَدِهِمْ» یکی از همان‌ها هستی؛ یعنی تو هم از

اینجا منتقل خواهی شد. پس بین آنها از چیزهایی که دوست داشتند و از خانه‌هایی که به آنها دلبستگی داشتند و از موقعیت‌های خود به کجا منتقل شدند و رفتند.

یکی از عبرت‌کده‌ها، قبرستان است. قبرستان‌ها بزرگ‌ترین عبرت‌کده هستند که پیش روی ما و در دسترس و در اختیار ما هستند.

پس این می‌شود نگاه عبرت و بیداری که از وجود انسان غفلت‌زدایی می‌کند و توصیه شده که به تاریخ، به زندگی دیگران، به سرنوشت دیگران، به سرگذشت‌های دیگران، چه اشخاص موفق و چه افراد شکست‌خورده، چه جوامع موفق و چه جوامع ناموفق، نگاه کنیم، سرگذشتشان را مطالعه و درباره‌ی آنها تحقیق و پژوهش کنیم. این نگاه مؤمنانه است. مؤمن همه‌ی اینها را می‌بیند، بررسی می‌کند و از محصول تجارب همه بهره‌مند می‌شود و تجربه‌ی همه‌ی پیشینیان را به زندگی خودش ضمیمه می‌کند.

۳. نگاه شکر

اما نگاه سوم که نگاه سپاس و شکر بود، نگاه فوق‌العاده زیبایی است که دید انسان را به همه چیز تغییر می‌دهد.

خدای متعال در هر چیزی که خلق کرده و در برابر چشمان شما قرار داده، یک پیام محبت و یک «دوستت دارم» ارسال کرده است. هر موجودی که خلق شده، یک پیامک دوستت دارم از جانب خالق هستی است. خداوند «I love you» را در خورشید، ماه، ستاره‌ها، درخت‌ها، غذاها، میوه‌ها و هر چیزی که فکرش را بکنید، قرار داده و برای شما فرستاده است؛ لذا فرمود در همه‌ی اینها برای شما نعمت است و شما چون غرق نعمت هستید، نعمت‌ها را نمی‌بینید و این پیام‌ها را مشاهده نمی‌کنید. «وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا»^{۲۲} و اگر نعمت [های] خدا را شماره کنید، آن را نمی‌توانید بشمارید». این پیام‌ها زیاد است. برای دیدن آنها فقط کافی است چشم‌هایتان را بشورید و از پرده‌های غفلت بیرون بیاورید. الان چشم‌های ما یک خورده غبار گرفته است. لِسَانُ الْغَيْبِ می‌گوید: غبار ره‌نشان تا نظر توانی کرد. چشم‌های ما غبار گرفته و از پشت این غبارها نمی‌توانیم ببینیم. به قول سهراب: چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید. آن جور دیگر، دیدنی است که علی می‌بیند، فاطمه می‌بیند، امام حسن می‌بیند، امام حسین می‌بیند، امام مهدی (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ أَجْمَعِينَ) می‌بیند. آنها نشانه‌های لطف خدای متعال را در همه‌چیز می‌بینند.

۲۲. نحل: ۱۸.

انسان غرق در اقیانوس نعمت‌های الهی است. اگر ببینیم، زندگی ما دگرگون می‌شود. خورشید هر روز برای جناب‌عالی پیام می‌فرستد و این نعمت به قدری در دسترس شما است^{۲۳} که حتی می‌توانید بگویید این، فقط مال من است. خدای متعال این قدر جهان را وسیع و بزرگ خلق کرده که هر کسی سهم خودش را دارد و بین افراد اصلاً رقابتی شکل نمی‌گیرد. اگر شما این نگاه را پیدا کنید، با کسی دعویتان نمی‌شود و تزاومی پیدا نمی‌شود و احساس نمی‌کنید کسی جای شما را گرفته است.

امام حسین (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) در مناجات عرفه می‌گوید: از قبل از اینکه من بیایم، همه چیز را برایم آماده کردی. به لطف و کرم، مرا از چه مسیرهایی آوردی، تا این زمان رساندی. وقتی هم که من در این عالم پیاده شدم، همه چیز برایم آماده بود. مادر مهربان و شیری که از عصاره‌ی وجود و محبت او آماده بود که به من برسد، همه‌ی اینها را برای من آماده کرده بودی. یک خدمتگزار عاشق در دسترس من بود که همه‌ی کارهای مرا انجام می‌داد؛ پدری که عاشقانه خودش را به هر دری می‌زد تا من زنده باشم، تا من حفظ شوم، و... . همه چیز را برای من آماده کرده بودی: آب، غذا و... من نیاز به زیبایی

۲۳. «وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ؛ و خورشید و ماه را - که پیوسته روانند - برای شما رام گردانید».

داشتیم، این همه زیباییها در اطرافم خلق کردی، نیاز به دیدنیهای شوقانگیز داشتیم، همه را از قبل برای من آماده کردی و برای من هیچ چیزی کم نگذاشتی.

محصول این نگاه شکر است. اگر ما یک نگاه به خودمان بیندازیم، نشانه‌ها و نعمت‌های خدا را در خودمان خواهیم دید؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «وَفِي أَنفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ؟»^{۲۴} و در خود شما پس مگر نمی‌بینید؟؛ «أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ؟»^{۲۵} آیا دو چشمش نداده‌ایم؟ و زبانی و دو لب؟». اگر کسی ببیند که خدای متعال برای او چشم‌های زیبا و با ظرفیت برای تماشا قرار داده، آیا زبانش جز به شکر باز می‌شود؟ مشکل ما همین غبارها است؛ غبارهایی که امکان این دیدن‌های جذاب را از ما سلب کرده است. البته خدای متعال و عزیز و مهربانمان، توقع خیلی صریحی دارد که واسطه‌های نعمت‌ها را هم ببینیم. چه خدایی داریم؟! نفرموده فقط مرا ببینید، فرموده مرا ببینید، واسطه‌هایی را هم که این نعمت‌ها را به شما می‌رسانند نیز ببینید؛ لذا برای برانگیختن حالت سپاس و شکر، می‌فرماید: «أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ»^{۲۶} شکرگزار من و پدر و مادرت باش که بازگشت [همه] به سوی من است». همان‌طور که

۲۴. ذاریات: ۲۱.

۲۵. بلد: ۸ - ۹.

۲۶. لقمان: ۱۴.

از من سپاسگزاری می‌کنی، در برابر پدر و مادرت هم که واسطه‌ی نعمت‌ها برای تو هستند و همه‌ی نعمت‌ها به واسطه‌ی آنها به تو رسیده نیز شکرگزار و سپاسگزار باش. امام رضا (علیه‌الصلاة والسلام) در حدیث مشهوری فرمودند: «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعِمِينَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ؛^{۲۷} هرکه از خوبی مردم تشکر نکند، از خداوند عز و جل نیز تشکر نکرده است.»

چنانچه واسطه‌های نعمت، معلّم‌ها، پدر و مادر و کسانی را که در آشکار و پنهان برای امنیت و سلامت شما تلاش می‌کنند، نبینید، از کنارشان رد شوید و بی‌اعتنا باشید، از خدا سپاسگزاری نکرده‌اید.

این نگاه است که اسمش را نگاه شکر و سپاس می‌گذاریم. این نگاه برای شما نعمت‌شناسی می‌کند و نعمت‌ها را به شما نشان می‌دهد.

۴. نگاه مهر

عنوان چهارم، نگاه محبت و مهر است؛ نگاه‌هایی که به شما این امکان را می‌دهد که احساس، عاطفه و محبت خودتان را به دیگران نشان دهید. بر اثر این نگاه دو چشم

۲۷. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۲۴، ح ۲.

شما دو دست دل شما می شود که می توانید سخاوتمندانه مهر، عاطفه و محبت خود را که تولیدی دل مهربان شما است، به هر کس که مواجه می شوید، تقدیم کنید. این می شود نگاه محبت و مهر.

در جاهایی این نگاه مورد تأکید است. شاید از همه برجسته تر، نگاه به پدر و مادر باشد. در روایت داریم: «الْأَنْظَرُ إِلَى الْوَالِدَيْنِ بِرَأْفَةٍ وَ رَحْمَةٍ عِبَادَةٌ»^{۲۸} نگاه مهرآمیز به پدر و مادر عبادت است». هر نگاهی به پدر و مادر که عبادت نیست. نگاهی که سرشار از مهر و محبت است، عبادت است. وقتی شما جلوی مادر یا پدرت می نشینی و تماشايش می کنی و در نگاههایی که چشمت به چشمهایش دوخته می شود، همه ی ارادت و محبتت را جاری می کنی، نگاه محبت آمیز به آنها کرده ای و اجر خواهی برد.

امیدوارم خداوند تبارک و تعالی توفیق این عبور را به همه ی ما کرامت کند و به همه ی ما توفیق بدهد عواطف و محبت هایمان را در دلمان نگه نداریم، بلکه آن را هدیه بدهیم و سخاوتمندانه توزیعش کنیم.

۲۸. محمدتقی مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۷۳.